

Journal iranian political sociology
Vol. 5, No.10, dey 2022

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.332889.3212>

Investigating and Analyzing the Impact of Political Participation on National Security in the Reform Government (1997-2005)

Abstract

The subject of this article is to examine how political participation and national security interact in the reform government. So the main question here is how political participation has led to national security in this period? The main hypothesis of the article is that the spontaneous and conscious participation of the people in the reform period due to the presence of most social groups with diverse tastes and views in council, parliamentary and presidential elections and belief in the influence of their votes in choosing agents plays a very important role. There has been national solidarity and, as a result, increased national security in Iran. The results show that during the reform regime in the Islamic Republic of Iran, considering the increase in government accountability, increasing public participation in various elections and the expansion of privatization, as well as pursuing a policy of de-escalation in foreign policy, high national solidarity and as a result, we can say that a sense of security was achieved in the national dimension. The research method in this article is descriptive-analytical qualitative and the data is collected in a library method by taking files.

Keywords: National Security, Accountability, Political Participation, National Solidarity

بررسی و تجزیه و تحلیل تاثیر مشارکت سیاسی بر امنیت ملی در دولت اصلاحات (۱۳۸۴-۱۳۷۶)

ولی اله کیانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

ابوالقاسم طاهری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

علیرضا ازغندی^۳

چکیده

موضوع این مقاله بررسی چگونگی تعامل بین مشارکت سیاسی و امنیت ملی در دولت اصلاحات است. بنابراین سؤال اصلی که در اینجا مطرح می شود این است که مشارکت سیاسی چگونه به تامین امنیت ملی در این دوره منجر شده است؟ فرضیه اصلی مقاله این است که مشارکت خود جوش و آگاهانه مردم در دوره اصلاحات به دلیل حضور اکثر گروه های اجتماعی با سلايق و دیدگاه های متنوع در انتخابات شورا ها، مجلس و ریاست جمهوری و باور به تاثیر آرای خود در انتخاب کارگزاران نقش بسیار مهمی در همبستگی ملی و در نتیجه افزایش امنیت ملی ایران داشته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که در دوران حاکمیت اصلاحات در جمهوری اسلامی ایران، با دردد نظر گرفتن افزایش پاسخگویی دولت، بالارفتن میزان مشارکت مردمی در انتخابات های گوناگون و گسترش خصوصی سازی و همچنین در پیش گرفتن سیاست تنش زدایی در سیاست خارجی، همبستگی ملی بالا رفته و در نتیجه می توان گفتن احساس امنیت در بعد ملی نیز حاصل شد. روش تحقیق در این مقاله، کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی است و داده ها به شیوه کتابخانه ای و از طریق فیش برداری گردآوری شده است.

کلمات کلیدی: امنیت ملی، پاسخگویی، مشارکت سیاسی، همبستگی ملی

گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.^۱

استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول)^۲

استاد تمام، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.^۳

خداوند متعال انسان را فطرتاً موجودی اجتماعی خلق نموده است. خصلت اجتماعی بودن انسان ناشی از وجود قدرت اندیشه و تفکر وی است. بر این اساس تمایل و دلبستگی آنان نسبت به دخیل بودن در سرنوشت اجتماعی خویش از ویژگی های بارز انسان ها محسوب می گردد. نیاز شدیدی که در راستای بقای خود به همدیگر احساس کرده اند، یکی از نخستین جلوه های برتر اندیشه آدمی برای دستیابی به یک امنیت مطلوب بوده است. این موجود اندیشمند با درک واقعیت ها در گذر زمان به خوبی دریافت که به تنهایی از انجام بسیاری امور زیستی ناتوان و درمانده است، به ویژه زمانی که نا امنی و تهدید یک نیروی برتر حیات او را به مخاطره می اندازد و نیاز شدید به همکاری دیگران در رفع تهدید ها و فراهم نمودن محیطی آرام برای بقاء و ادامه زندگی وی، دوچندان می گردد. از این رو با شکل گیری جوامع بشری، بحث تأمین امنیت ملی بر پایه مشارکت سیاسی مردم یکی از مهم ترین مسایل جوامع امروزی همگام با برنامه های توسعه سیاسی می باشد.

لذا امنیت ملی جامعه ایران (از خرداد ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴) و چگونگی رابطه آن با مشارکت های سیاسی مورد بررسی قرار می گیرد و تلاش گردیده تا با استفاده از دیدگاه اندیشمندان و پژوهشگران علوم سیاسی به پیامد ناشی از مشارکت سیاسی فعالانه مردم به ویژه در جوامع پیشرفته و توسعه یافته که منجر به امنیت پایدار گردیده دست یافته و در ضمن مشارکت های سیاسی در جوامع در حال گذار، هر چند به لحاظ شرایط خاص اجتماعی جوامع در حال توسعه، با چالش هایی رو به رو هستند، اما با پذیرش هزینه های احتمالی که خاص این گونه جوامع هستند و نیز برد باری و برنامه ریزی های مناسب و تمرین گام به گام دموکراسی و تلاش برای فراهم نمودن جامعه مدنی با ایجاد فرهنگ نقد پذیری فرمانروایان و گسترش فرهنگ نظارت همگانی بر عملکرد کارگزاران می توان ره آورد کشتی توسعه و پیشرفت مبتنی بر مشارکت سیاسی و آگاهانه مردم از دریای خروشان دوران گذار با موفقیت به ساحل امن رساند و از موهبت های آن بهره شایان برد. در این پژوهش مشارکت سیاسی مورد نظر عبارت است از: مشارکت خودجوش، رقابتی، داوطلبانه و آگاهانه مردم که بر تصمیمات نخبگان سیاسی فرمانروا تأثیر گذار باشد. امنیت ملی را نیز می توان اینگونه تعریف کرد: توان حفظ ارزش ها و ثروت ها در برابر هر گونه خطر دانست. بنابراین مقاله حاضر تلاش دارد تا نقش مشارکت سیاسی و رابطه آن با امنیت ملی را مورد ژرف نگری و ارزیابی قرار گیرد.

چارچوب مفهومی: تعامل مشارکت سیاسی و امنیت ملی

مشارکت سیاسی به مجموعه ای از رفتار شهروندان اطلاق می شود که به منظور تأثیرگذاری بر نحوه اجرای قدرت در جامعه صورت می پذیرد. لذا در بحث دموکراسی و نظام های مردم سالار مشارکت سیاسی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. زیرا «تعریف

دموکراسی هرچه باشد، بدون شک همیشه و در همه حال اشکال وسیع و گسترده مشارکت را دربر دارد. در واقع ویژگی اصلی دموکراسی مشارکت مردم در تصمیم‌گیری در اموری است که سرنوشت آنان به آن وابسته است» (قوام، ۱۳۷۱: ۱۳۷)

در متون اسلامی، یکی از عناصر مشارکت جمعی را رضایت همگانی ذکر نموده‌اند و تأکید اسلام درباره نظام سیاسی این است که باید بر پایه رضایت عمومی استوار باشد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۳۸).

لذا در جوامعی که توانسته‌اند به نظام‌های دموکراسی و مردم‌سالار، مبتنی بر مشارکت خود جوش و رأی مردم تحقق بخشند، به لحاظ فراهم شدن شرایط مناسب برای حضور مردم در امر انتخابات و دستیابی انجمن‌ها، گروه‌ها و احزاب سیاسی به سهم شدن در قدرت، جامعه‌ای متعادل و قاعده‌مبنا شکل گرفته و بر اساس منافع مختلف و گوناگون گروه‌های اجتماعی، نمایندگان آنان در کانون‌های سیاسی و تصمیم‌گیری موجبات تأمین خواسته‌های آنان را فراهم می‌نمایند. در واقع نظام سیاسی برآمده از رأی مردم، تعلقات خاطر و علاقه‌مندی اقشار گوناگون مردم و گروه‌های سیاسی فعال در جامعه را پشتیبان و حامی خود نموده و مشروعیت لازم را جهت بقای خود فراهم می‌آورد. یعنی مشارکت فعالانه به لحاظ ماهیت خوب و مفید آن می‌تواند امنیت پایدار را فراهم آورد. چونکه دلبستگی به حاکمیت را افزایش داده و بر پایه اعتمادی که مردم به نظام سیاسی و حاکمیت دارند، خود نیز فعالانه و با علاقه‌مندی در تأمین امنیت و بقای نظام می‌کوشند. این در حالی است که در مشارکت تبعی به گفته «دبورن»: لایه‌های فقیرتر تشریک مساعی نمی‌کنند و به نسبت تعداد خود و سطح نیاز هایشان در منافع شریک نیستند (دبورن، ۱۳۷۸: ۲۲). یعنی در مشارکت هدایت شده از بالا به پایین، اعتماد سازی و رابطه بین حاکمیت و حکومت شوندگان مخدوش و امنیت خشن شکننده و ناپایدار حکم فرما می‌گردد. که چنین امنیتی به لحاظ ماهیت ضد مردمی آن کوتاه مدت بوده و راه خلاقیت و اندیشه مردم را مسدود و خود نیز در خطر فرو ریختن است. بنابراین مشارکتی می‌تواند منجر به یک امنیت پایدار در جامعه شود که آن مشارکت ریشه و خاستگاهش مردمی باشد. در حقیقت هیچگونه نظام واقعی در جامعه حاکم نمی‌گردد مگر آنکه مردم را به عنوان افرادی که بازیگران مهم عرصه سیاست داخلی نظم پیشنهادی را پذیرفته و بدان گردن نهند.

از این منظر نظم‌های تحمیلی به لحاظ نارضایتی درونی مردم به زودی دچار بحران شده و امکان استمرار حیات را نخواهند یافت. پس امنیت واقعی در جامعه مبتنی بر مشارکت مردم در سرنوشت خود و داشتن حق انتخاب آزاد مبتنی بر آگاهی بوده و با میل و اراده خویش نظام سیاسی را مشخص و در تمام مراحل با حضور گسترده و فعال خود در فرایند تصمیم‌گیری اداره جامعه مؤثر و در تأمین امنیت آن نیز احساس علاقه، دلبستگی و تعلق خاطر نمایند. حضرت علی (ع) مهمترین عامل از بین بردن امنیت سیاسی را در جامعه استبداد می‌داند و ریشه آن را در صفات رذیله انسان ذکر می‌کند، تفاخر و تفرعن انسان را به خود کامگی و استبداد در رأی و تحمیل عقیده می‌رساند (طبیعی، ۱۳۷۹: ۶۹-۶۷). از دیدگاه آن حضرت، زمامداران به میزان دور شدن از مشورت و شوری به گرداب مرگ و نابودی نزدیک می‌شوند.

یعنی نا امنی قدرگرایانه در جامعه بسته که می توان آن را معادل جامعه سنتی پنداشت نهاد سیاست و قدرت بر سایر نهاد ها سطله دارد و استقلال فردی در پایین ترین حد خود قرار دارد. در این گونه جوامع صاحبان قدرت برای جمع و فرد تصمیم می گیرند و افراد در تعیین سرنوشت خویش دخالتی نداشته یا کمترین نقش را دارند. در چنین جوامعی امنیت ظاهری است. چون نظام حاکم رابطه معنوی با مردم را ندارد و مردم نیز اعتمادی به حاکمیت دارا نیستند.

در جوامع نیمه بسته افراد و احزاب ، هرچند از آزادی نسبی برخوردارند اما اراده آنان تا جایی تأثیر گذار است که با منشأ قدرت تعارضی نداشته باشد. در این گونه جوامع نیز نوعی جبر وجود دارد و آزادی و اراده جامعه تحت تأثیر اراده یک فرد یا حزب است. به دلیل وجود اجبار و سلطه نهاد سیاست بر سایر نهاد ها ، قادر به ایفای نقش نیستند و در نتیجه مردم در تأمین امنیت احساس دلبستگی و تعلق خاطر ندارند، چون وجود سلطه و اجبار اعتماد تأثیر گذاری آنان بر سرنوشت خود و نظام سیاسی را کم رنگ و بی محتوا ساخته و امنیت چنین جامعه ای لرزان و نا مطمئن است بنابراین در جوامع بسته و نیمه بسته ظاهراً امنیت بالایی حکمفرما است اما این امنیت صوری، به بهای نا امنی عمومی به دست آمده است و زیر چتر ثبات سیاسی قرار دارد. این جوامع در بطن خود همواره مستعد نا امنی هستند و تعادل در ساخت اجتماعی آنان، تعادلی به ظاهر ثابت اما بسیار شکننده است (باقی، ۱۳۷۶: ۳۰). اما در جوامع و نظام های مشارکتی - رقابتی هیچ نهاد سلطه ای وجود ندارد و همه اجزای سیستم، استقلال خود را در عین همکاری حفظ می کنند. در این نظام ها فردیت و اراده آزاد افراد در مشارکت سیاسی تجلی می یابد و در تحزب و رقابت، منافع مشترک، ارزش های مشترک و عام و همبستگی اجتماعی شکل و محتوا می گیرند. تصمیمات و تغییرات از پایین به بالا یعنی از درون اصناف و انجمن ها و احزاب می جوشد (جامعه مدنی) و همگان مراقب و نگهبان یکدیگرند. بالاترین نرخ ضریب امنیت در این وضعیت وجود دارد. یعنی ضریب امنیت همبستگی کامل با نوع نظام اجتماعی دارد. برخی رابطه بین مشارکت و امنیت را در جامعه باز چنین توصیف می کنند: در جامعه باز ، نهاد ها و خرده نظام ها روابط پایداری دارند و تعادل نظام اجتماعی برقرار است. ثبات در این جامعه دیگر حاصل قدرت نیست بلکه حاصل کلیه اجزاء نظام اجتماعی است و در نتیجه پایدار تر و استوار تر است (باقی، ۱۳۷۶: ۳۱).

پس هنگامی که از امنیت بحث می شود دو گونه امنیت متصور است. یکی امنیت سرکوب گرانه که از آزادی صرف نظر گردیده و معطوف به جوامعی است که مشارکت انفعالی در آنها شکل گرفته و همین مشارکت انفعالی به نوبه خود ایجاد نا امنی می کند و به امنیت واقعی توجه ندارد. اما امنیت پایدار که از شاخصه های مهم نظام های مردم سالار و مبتنی بر مشارکت سیاسی - رقابتی اقشار، گروه ها و احزاب سیاسی جامعه می باشد به آزادی و کرامت انسان توجه ویژه دارد. (در واقع امنیت حقیقی آن امنیتی است که جامعه بتواند در سایه آن بر قلمرو آزاد خود برای بروز خلاقیت های بیشتر بیفزاید) (قانع بصری، ۱۳۷۹: ۲۶).

رابطه مشارکت سیاسی و امنیت ملی در دوره اصلاحات

جمهوری اسلامی ایران دارای نظام سیاسی ویژه ای است که از آن به ولایت فقیه نام برده می شود. قانون اساسی به عنوان تبلور و نماد معرفی نظام سیاسی در ایران (و همه کشورهای جهان) دارای ابعاد مشروعیت الهی و مردمی است. بعد دوم این نظام سیاسی جایگاه مهمی برای مشارکت سیاسی قائل است. به همین ترتیب با در نظر گرفتن نگرش اندیشمندان مختلف غربی و اسلامی، این مشارکت سیاسی و رضایت مردم است که برآورد کننده امنیت ملی است. در این جا به بررسی رابطه این دو متغیر در دوره اصلاحات پرداخته می شود.

تشکیل شوراها در سطح کشور

هرچند اداره جامعه بر پایه شوراها و همکاری و تعاون در آموزه های دینی از جایگاه والایی برخوردار است، لیکن پیروزی انقلاب اسلامی با نگرش به ماهیت الهی مردمی انقلاب، یکی از اساسی ترین مسائل مطرح در فضای آن دوران، نقش مردم در تعیین سرنوشت و تأثیر گذاری آنان بر روند جریانات و ابتکارات، میزان دخالت مردم در فعالیت های سیاسی بود. تأسیس شوراهای شهر و روستا از یک طرف این امکان را برای دولت و مدیران فراهم می کند که کشور از استعداد ها، امکانات و توانمندی های بالقوه مردم بهره مند شود و در حقیقت اداره بسیاری از امور شهرها و روستاها با کمترین هزینه و بیشترین بازدهی به اجرا در آید. از سوی دیگر پیشبرد برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی به ویژه امنیتی با همکاری مردم عمدتاً از طریق شوراها امکان پذیر می گردد.

۲- الف. اهمیت انتخابات شوراها:

معمولاً انتخابات یکی از جلوه های مشارکت سیاسی مردم در تصمیم گیری های خرد و کلان کشور در دنیای کنونی به شمار می رود. و به عنوان یکی از بارز ترین مصادیق مشروعیت حکومتها محسوب می گردد در واقع انتخابات مؤثر ترین عرصه حضور مردم برای ایفای نقش در تعیین مسیر حرکت آینده و تسیم وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور است صحنه انتخابات از پرشکوه ترین صحنه های فعالیت سیاسی است. یکی از وعده های آقای خاتمی در شعار های انتخاباتی خود تلاش برای دستیابی به جامعه مدنی و نیز تشکیل شوراها بر اساس قانون اساسی بود. که تا این زمان عملی نشده بود. سرانجام اراده مصمم ایشان در بهمن ماه ۱۳۷۸ بدین اصل مهم مردم سالاری جامعه عمل پوشاند و در واقع خاتمی برای روند اصلاحات و توسعه سیاسی به خوبی دریافته بود که توزیع قدرت در درون جامعه تا سطح لایه های پایین اجتماعی و نیز باور داشتن مردم در اداره امور مربوط به خود و نظارت بر عملکرد مسئولین اجرایی اساسی ترین گام به سوی دستیابی به جامعه متعادل با سهم کردن مردم در به دوش کشیدن بار سنگین مملکت داری است. بنابراین انتخابات شوراها در سطح شهر و روستا، از یک سو مشارکت مردم در تصمیم گیری ها و اداره امور جامعه نهادینه می کند و از سوی دیگر موجبات پیشبرد برنامه های اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، آموزشی و امور رفاهی را با همکاری مردم فراهم می کند. در همین راستا فصل هفتم قانون اساسی به ویژه در اصل یکصدم به امر مهم شوراها پرداخته و بدین

ترتیب با اجرای این اصول، دیدگاه های مردم به بدنه اجرایی کشور به خوبی منتقل و تفسیر عملی از دخالت مردم در سرنوشت خودشان نمایان می گردد.

۳- الف. نقش و جایگاه شورا ها در فرایند امنیتی کشور

بی تردید مهم ترین مسئله و دستاورد با هدف شورا ها، تقویت بستر های امنیتی می باشد، البته در این نگرش روش ها و یا ابزار دستیابی به امنیت با روش های گذشته دارای تفاوت های بنیادین است. به عبارت دیگر هدف از تشکیل شورا ها، مشارکت دادن مردم در سرنوشت خودشان می باشد. این امر به معنای تقویت زمینه های وفاق و بالا بردن سطح مسئولیت پذیری مردم معنا می گردد. از طریق شورا ها، مردم به صورت مسالمت آمیز با قدرت دولتی به مذاکره و گفتگو برمی خیزند. و دیدگاه های خود را به گونه ای منصفانه و صلح جویانه با دولت مطرح می نمایند، و همین امر باعث می شود تا مردم ضمن مشارکت در امور همگان، ضمانت اجرایی آن را نیز ایجاد نمایند در حقیقت شورا ها فضای بیشتری برای ابراز دیدگاه های مردم در راستای تعیین سرنوشت آنان فراهم می نمایند و آنها را به عناصری فعال و آگاه و معتقد به قانون و باورمند به ضوابط و مقررات جامعه تبدیل می نمایند. در حقیقت یکی از مهم ترین کارکرد شورا ها بالا بردن و افزایش ضریب امنیتی کشور و مهم ترین تضمین کننده اجرایی قوانین است. همان گونه که یادآوری شد این نوع امنیت که با بالا رفتن وفاق و همدلی ملی و اشتراک در امور همگان حاصل می شود با روش های دیرینه امنیت سازی تفاوت های ماهوی دارد. در حقیقت در قالب شورا ها به طریق مشارکت مردم در امور سیاسی و آنچه که به سرنوشت آنها مربوط است، عالی ترین بستر های امنیت سازی به وجود آمده است، بی گمان امنیتی که در قالب زور و با سلاح و فشار از بالا و بدون مشارکت مردم ایجاد شود، در کوتاه مدت مؤثر ولیکن در دراز مدت ناپایدار و شکننده خواهد بود. برعکس امنیتی که با حضور آزادانه، فعالانه و داوطلبانه مردم به وجود می آید، هرچند در کوتاه مدت برای جوامعی که هنوز این گونه مشارکت امنیتی را تجربه نکرده اند مشکلاتی را در پی خواهد داشت، اما در دراز مدت به امنیتی پایدار، ریشه ای و ماندگار منجر خواهد شد. زیرا که نفس حضور، خود امنیت آفرین است و حضور فعال بیش از ۲۰۰۰۰۰۰ (دو میلیون و سیصد و پنجاه هزار نفر) سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، ۱۳۷۷: ۹۸) نفر به عنوان اعضای اصلی و علی البدل شورا ها در سطح کشور به لحاظ ارتباط نزدیک با مردم روستا ها و محلات در شهر ها از یک سو و ارتباط تنگاتنگ با مسئولین امنیتی به ویژه اعضای شورای تأمین در شهر ها و داشتن آگاهی های لازم در ابعاد گوناگون مسائل امنیتی به سبب وجود رابطه و پیوند همیشگی با اقشار مردم، از عناصر مطلوب و مثبت امنیت ساز کشور به شمار می روند.

ب) سیاست تنش زدایی و نقش امنیت ساز آن

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و خاموش شدن جنگ سرد، شکل و ماهیت تازه ای در مناسبات بین المللی پدیدار گردید. برخی از کارشناسان امور بین الملل بر این باورند: که در جهان کنونی نیز ستیز و درگیری وجود دارد و کشور های

قدرتمند جهان تلاش می‌کنند تا سیاست‌های خود را بر کشورهای ضعیف دیکته کنند، اما واقعیت این است که شکل مبارزه و گرفتن سهم از توزیع قدرت در جهان با گذشته تفاوت‌های اساسی یافته است. در جهان امروز دیپلماسی خارجی به مثابه قوی‌ترین ابزار برای پیشرفت کشورها جایگاه ویژه‌ای در میان سایر عوامل پیدا کرده است. «اگر سیاست خارجی کشوری در شرایط کنونی ستیزه‌خو و نابردبار باشد، بدون اینکه از سوی جهانیان هزینه‌ای برای منزوی کردن آن صرف شود، به خودی خود آن کشور منزوی می‌شود» (دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، ۱۳۷۸: ۸).

امروزه سیاست خارجی بدون تنش، یک ابزار کارآمد و کارساز برای نفوذ در جهان است. اگر کشوری بخواهد از اقتصادی پویا و قدرتمند و فرهنگی تأثیرگذار برخوردار باشد، ناگزیر است که سیاست خارجی قدرتمند، منطقی و آرام را به جهانیان اعلام و بر آن پای بفشارد، زیرا که با استفاده از سیاست خارجی تنش‌زدا، می‌توان مسیر پیشرفت را هموار کرد. بر پایه درک درست از واقعیت‌های موجود جهانی، خاتمی نیک اندیشید و از همان شروع به کارش، سیاست تنش‌زدایی و برگرفتن راه مسالمت‌جویی، حسن رفتار و صلح‌خواهی را بر اساس احترام متقابل به جهانیان و به ویژه همسایگان ایران اعلام داشت. دولت‌ها، رسانه‌های جهان گستر، مانند بی.بی.سی و سی.ان.ان و محافل فرهنگی غرب، سفر خاتمی به ایتالیا را رویدادی جدی و درخور توجه تلقی کردند و از آن به عنوان «نقطه عطف» و یک حادثه تاریخی در روابط ایران و غرب یاد کردند. رویکرد مثبت غربیان به سفر ریاست جمهوری اسلامی ایران این پرسش را به ذهن متبادر می‌کند که مگر چه شده که چنین استقبالی از ایران می‌شود؟ آیا سیاست خارجی کشور‌های غربی تغییر کرده، یا سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران اصلاح شده است؟ (جلالی پور، ۱۳۷۸: ۲۹۵).

پاسخ مناسب به این پرسش بر پایه رویکردی است که مبنا و انگیزه استقبال گرم و کم‌نظیر غربیان از خاتمی را در این می‌داند که او سیاست داخلی و خارجی خود را بر واقعیات و اصول انسانی بنا کرده و از کلیشه‌ها دوری جسته و در اجرای آن از خود صداقت نشان داده است. و غربیان به خوبی دریافته‌اند که خاتمی سیاست‌های اساسی خود را مبنی بر تقویت توسعه سیاسی و جامعه مدنی (که آثار آن در مطبوعات مستقل و در اجرای قانون شوراها آشکار شده است) ادامه داده است. آنان او را شخصیتی یافته‌اند که مسائل جهانی و تهدیداتی را که کل عالم از غرب تا شرق با آن رو به رو است، می‌شناسد و از دریچه توطئه نمی‌نگرد. جهانیان و از آن جمله غربی‌ها، شاهدند که خاتمی که در برابر «برخورد تمدن‌ها» از صلح و همزیستی و «گفتگوی تمدن‌ها» سخن می‌گوید و برای اداره کشورش بر طبل بیگانه ستیزی نمی‌کوبد. وی ضمن اینکه از منافع ملی کشورش دفاع می‌کند از احترام متقابل و حقوق دولت‌ها و ملت‌ها سخن می‌راند (جلالی پور، ۱۳۷۸: ۲۹۷-۲۹۶).

یک کارشناس امور بین‌الملل می‌گوید: هنگامی که خاتمی با لحنی آرام و مطمئن با خبرنگار ارشد سی.ان.ان به گفتگو نشست و پیام دوستی برای مردم آمریکا فرستاد، غوغایی در این کشور برپا شد و سپس چنین ادامه می‌دهد، خاتمی با درایت و هوشمندی خارق‌العاده خود توپ را به زمین حریف شوت کرد. سیاست‌مداران آمریکایی از این حرکت خاتمی شوکه شده بودند و تلاش

کردند تا به افکار عمومی خود پاسخ دهند که چرا چندین سال است با مردم ایران عناد می ورزند؟ پاپ رهبر کاتولیک های جهان، ضمن دیدار با خاتمی در جریان سفرش به ایتالیا، آرمان های وی را برای جهان امروز یک موهبت دانست.

به طور کلی سیاست تنش زدایی که به عنوان یک اصل اساسی در برنامه سیاست خارجی آقای خاتمی قرار گرفته است اثرات مفید و مثبت امنیتی مطلوبی برای کشور ما فراهم نموده است. به ویژه در سطح منطقه ای و کشورهای اسلامی (مرزها و کشورهای هم جوار) این هاله امنیتی به کشورهای غربی قابل دسترسی می باشد. تنش زدایی با اعراب واجد چند نکته مهم است: نخست اینکه به علت روحیه ناسیونالیستی که بین این کشورها وجود دارد روابط نزدیک با ایشان، آنها را از موضع گیری های شدید علیه ما بر حذر می دارد و از تبدیل بعضی مسائل به ستیزه های ناسیونالیستی بین ما و آنها جلوگیری می کند. دوم اینکه این کشورها به علت ماهیت سیاست خارجی شان عمدتاً کشورهای همسند که رو به سوی غرب دارند و تشنج زدایی با این کشورها به یک معنا تشنج زدایی با جهان غرب نیز خواهد بود (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۰). درحالیکه پیش از سیاست تنش زدایی، با بزرگ نمایی عنوان «تهدید ایران» علیه کشورهای حوزه خلیج فارس، از سوی دشمنان ایران به ویژه «غربی ها و آمریکایی ها» نه تنها دلارهای نفتی و سرمایه های ملی این کشورها صرف خرید تجهیزات نظامی از غرب شد و رونق اقتصادی آنها را سبب گردید؛ بلکه خلیج فارس به یک میدان مین علیه امنیت ملی ما تبدیل شده بود. حضور نیروهای بیگانه در خلیج فارس، هر آن برای کشور ما خطری بسیار بزرگ محسوب می شد و این فضای رعب آور موجب گردید برخی از همسایگان چشم طمع به حاکمیت ملی ما داشته باشند (دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، ۱۳۷۹: ۲۱).

سیاست تنش زدایی آقای خاتمی موجب گردید، رابطه ایران و عربستان سعودی که پیش تر در رأس شورای همکاری خلیج فارس به یک قطب هژمونیک^۱ در برابر ما تبدیل شده بود (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۱)، به رابطه ای دوستانه، وزین، مسالمت آمیز، منطقی و در سطح بالا تبدیل شود. به شرحی (در بخش اول گذشت) به هنگام سفر آقای خاتمی به عربستان سعودی ملک فهد پادشاه این کشور در حالی که بیمار بود با صندلی چرخدار در فرودگاه حضور یافت و از آقای خاتمی به گرمی هرچه بیشتر استقبال نمود.

آثار مثبت این سیاست منجر به کاهش شدید در میزان خرید تسلیحات نظامی از سوی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس گردید. به طوری که خرید تسلیحاتی آنان از ۶۲/۳ میلیارد دلار در سال های اولیه دهه ۱۹۹۰ میلادی به ۳۷/۳ میلیارد دلار در سال های پایانی این دهه رسید که ۴۰ درصد کاهش را نشان می دهد (موحد مهر، ۱۳۷۹: ۴۳).

به طور کلی تدوین و اجرای سیاست خارجی اصولی و مبتنی بر باورهای اعتقادی و منافع دراز مدت، یکی از اصول پذیرفته شده دولت آقای خاتمی بود و دعوت جهانیان به گفت و گوی تمدن ها و سیاست تنش زدایی، از ویژگی های آن محسوب می شود. پیشنهاد طرح گفت و گوی تمدن ها توسط آقای خاتمی، بازتاب مثبت و گسترده ای داشت و نگرش جهانیان به ایران اسلامی به

۱- hegemonic

عنوان کشوری با پشتوانه غنی فرهنگی و معنوی را جلب کرد. ایشان با تحکیم روابط سیاسی با کشور های همسایه و منطقه ای، سیمای متین و منطقی از دولت جمهوری اسلامی ایران، نزد جهانیان به نمایش گذاشت (روزنامه اطلاعات، ۵ شهریور ۱۳۸۰: ۵).

مهم ترین محور سیاست خارجی دولت برخاسته از جنبش دوم خرداد ۱۳۷۶ دعوت جهانیان به صلح و آرامش، اجرای عدالت، حذف زور و برخورد فیزیکی در روابط بین الملل است.

این دولت ضمن اینکه خواهان استقرار یک نظام مردم سالار در درون خود است، منادی نوعی دموکراسی بین المللی نیز می باشد. آقای خاتمی اهداف سیاست تنش زدایی را تأمین، تقویت، توسعه، تثبیت امنیت و منافع ملی عنوان کرده است. بر این اساس ایشان به عوامل تأثیر گذار در سیاست خارجی اشاره دارد و می گوید:

سیاست خارجی باید با آنچه که در درون کشور می گذرد، متناسب باشد و به همین دلیل نیازمند ثبات، امنیت و مشارکت در سرنوشت خویش، توسعه سیاسی، قانون مداری و سامان دادن جامعه در چارچوب قانون هستیم (روزنامه اطلاعات، ۵ شهریور ۱۳۸۰: ۵).

بنا بر این دیدگاه، بنای حکومت و دولت بر پایه گفتگو، تعامل و مفاهمه برای دستیابی به یک عزم ملی و امنیت ملی است.

تلاش دولت برای تنش زدایی و تثبیت پایه های مدنی کشور، کاستن دشمنی ها، افزایش دوستی ها، بالا بردن ظرفیت ها و توانمندی های همه جانبه برای زندگی در دنیای امروز و رفتن به سوی آینده ای بهتر است. هدایت گری، آگاهی بخشی و لزوم بالا بردن ظرفیت دو قطب حکومت و مردم و نیز تعادل بخشیدن به خواسته های طبیعی و همیشگی ملت و حفظ رابطه واقعی بین حکومت و ملت از اولویت های اساسی دولت آقای خاتمی بود. بر پایه رابطه واقعی ایجاد شده بین دولت و ملت است که مردم پایبندی و علاقه خود را به توسعه سیاسی در سایه حضور فعالانه و مشارکت سیاسی خود در انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری در خرداد ماه ۱۳۸۰ به نحو چشمگیری نشان دادند.

در این رابطه یاد اوری این نکته ضروری به نظر می رسد، که هرچند تمامی کاندیدا های رقیب انتخاباتی آقای خاتمی مشکلات اقتصادی و معیشتی جامعه را مطرح و محور تبلیغاتی خود را به رفع تنگناهای معیشتی مردم و مسائل اقتصادی قرار داده بودند با این وجود مردم ایران آگاهانه و با عزمی راسخ چنین ابراز عقیده کردند که گرفتاری های ملموس جامعه خود را در عدم توسعه سیاسی و نابالغ بودن نهاد های مدنی و تشکل های واسطه ای بین خود و حاکمیت می دانند. با احساس و درک واقعی این نیاز اجتماعی زمانه خود بود که در ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ با بیش از ۲۲/۵ میلیون رأی اثباتی (تأیید اصلاحات) دوباره خاتمی را باور و بر مصدر قدرت اجرایی کشور نشانندند. آری هنگامی که دولت مردمی می شود و سیاست دولت در مسیر خواست مردم قرار می گیرد، نتیجه آن می شود که شمار باور کنندگان خاتمی، از دوره نخست به قدرت رسیدنش فزونی یابد. به راستی برای یک دولت و حمایت از اجرای سیاست هایش قدرتی برتر از قدرت مردم واقعی تر و مشروع تر هست؟ به درستی که نه - چون منشأ قدرت و حاکمیت مردم اند و خاتمی از آن برخوردار. این رویداد تاریخی و روند رو به رشد که از ره آورد های جنبش دوم خرداد ۱۳۷۶

جامعه ایران است، می تواند بزرگترین سرمایه و نیروی امنیت ساز کشور و مایه امید به داشتن آینده ای بهتر، پویا تر، خوشبخت تر، در سایه امنیتی فراگیر و پایدار (مبتنی بر مشارکتی آگاهانه و داوطلبانه مردم) در عرصه تحولات چشم گیر، پیچیده و روز افزون دنیای کنونی نقش واقعی خود را بازی کند.

ج) اقتصاد و سیاست تنش زدایی

واقعیت امر در دنیای امروز گویای نیاز کلیه جوامع به داشتن روابطی مطلوب و منطقی در عرصه جهانی است.

بر این دیدگاه است که رئیس سازمان برنامه و بودجه وقت، که بیش از هر فرد دیگری با زوایای تاریک اقتصاد ایران آشنایی داشت و دشواری های مسیر پیشرفت اقتصادی را می شناخت معتقد است: «اگر ایران نتواند در پنج سال آینده (از سال ۱۳۷۸) ۳۴ میلیارد دلار کالا صادر کند و به نرخ رشد ۶ درصد در تولید ناخالص داخلی نرسد، به معنای وقوع بحران در کشور است» (دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، ۱۳۷۸: ۱۰) وی در ادامه اظهار داشت: «ضمن اینکه صادرات در دنیای امروز نیازمند کالای مرغوب است، به روابط و مناسبات مطلوب در سیاست خارجی و دیپلماسی متین نیز نیاز شدید دارد، بنابراین ادامه سیاست تنش زدایی برای اقتصاد ایران یک ضرورت تام است» یا اینکه رئیس کل بانک مرکزی وقت ایران اعتقاد داشت:

«اقتصاد ایران به گونه ای شکل و ماهیت گرفته که بدون تجارت خارجی امکان بقا ندارد و برای صدور نفت و تهیه ارز بایستی از یک سیاست خارجی عقلایی و منطقی برخوردار باشیم و بر این پایه سیاست تنش زدایی خاتمی برای تداوم اقتصاد ایران یک ضرورت است»

پس چنانکه می بینیم از دیدگاه دست اندر کاران امور اقتصادی، وجود سیاست خارجی منطقی و بی تنش یکی از ابزار های پیش برنده اقتصاد ملی است، زیرا که همکاری درست اقتصادی سازمان های بین المللی با جمهوری اسلامی ایران در گرو وجود یک سیاست خارجی منطقی، متین و بر اساس رعایت اصول و قوانین شناخته شده بین المللی خواهد بود.

از این رو با شناخت واقعی از رابطه مستقیم امنیت و اقتصاد است که وزیر اطلاعات دولت خاتمی در همایش بهره وری ایران در ششم خرداد ماه ۱۳۸۰ چنین می گوید: «امنیت برای بهره وری هم وسیله، هم هدف، هم بستر و هم نتیجه است». وی می افزاید: «تنها در یک جامعه امن سرمایه گذاری مادی و معنوی امکان پذیر است، و فرار مغز ها پدیده شومی است و بدون نگهداری این سرمایه های ملی امکان بهره وری عملی نخواهد بود؛ لذا در جایی که امنیت نباشد، ابتکار، خلاقیت و نو آوری وجود ندارد و اقتدار ملی را بیش از هر چیزی قدرت اقتصادی تعریف می کند» (یونسی، ۱۳۸۰: ۴)

بر پایه شکل گیری دیدگاه های مسئولین سیاسی_امنیتی در فراهم شدن یک سیاست متین در عرصه بین المللی است که رئیس برنامه توسعه پنج ساله سوم که بر محور فقر زدایی، شفافیت بیشتر در تنظیم بودجه و ... مورد تأیید کارشناسان و نمایندگان بانک جهانی قرار می گیرد (خزائی، ۱۳۸۰). بهبود سیاست خارجی با افزایش اعتبار بین المللی جمهوری اسلامی ایران از دیگر عوامل روند

رو به رشد اقتصاد ایران در آن دوره می باشد. گزارش بانک جهانی در راستای موفقیت های بی سابقه ایران در زمینه های اقتصادی در آن برهه زمانی، می افزاید: «بر اساس آمار موجود، افزایش مازاد یک درصد «جی دی پی» تولید ناخالص داخلی در بودجه سال ۱۳۷۸ (۲۰۰۰-۱۹۹۹) در مقابل کسری ۶/۷ درصد «جی دی پی» سال پیش از آن بوده است» (خزائی، ۱۳۸۰: ۴). در همین گزارش آمده است:

«رقم کل بدهی های ایران از ۲۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶-۱۹۹۵ میلادی (۱۳۷۴-۱۳۷۵ شمسی) به رقم ۸/۴ میلیارد دلار در پایان سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰-۲۰۰۱) کاهش یافته و نرخ تورم نیز از ۲۰ درصد به زیر ۱۴ درصد رسیده است» پیامد سیاست های سنجیده و منطقی آقای خاتمی در عرصه بین المللی موجب گردید، برای اولین بار در تاریخ ایران با اعطای وام بدون ضمانت دولتی موافقت گردید. در این باره خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران چنین می گوید: «کنسرسیومی از ۲۰ بانک اروپایی برای اولین بار بدون دریافت ضمانت دولتی، وامی به ارزش ۷۵۰ میلیون دلار به شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران اعطا کرد» بر پایه این گزارش، بهبود ذخایر ایران نزد بانک های خارجی و کاهش بدهی های ارزی باعث افزایش اعتبار ایران در سطح جهانی شده است. در واقع این گام اروپاییان نوعی اعتبار سیاسی- مالی و در حقیقت یک اعتبار بزرگ ملی برای جمهوری اسلامی ایران به حساب می آید (روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۰).

جمع بندی و نتیجه گیری

همانطور که عنوان شد، موضوع ما تأثیر مشارکت سیاسی در امنیت ملی کشور بین سال های ۷۶ تا ۸۴ بوده که مباحث نظری و تاریخی در باره ی مفهوم مشارکت، مشارکت سیاسی و نیز همگام بودن و همراهی این مفاهیم با مباحث توسعه و نیز راه کار ها و شاخص های عمده مشارکت سیاسی تأثیر گذار و نقش سازنده آنها در تأمین امنیت ملی به ویژه در جوامع قانونمند مورد بررسی قرار گرفت. بحث مشارکت سیاسی و رابطه تعاملی آن با امنیت ملی و نیز ویژگی های جوامع مدنی با برخوردار بودن از ضوابط مناسب و حاکمیت قانون با دستیابی به نتایج مثبت از نظر گذشت، سرانجام به مطالعه موردی تعامل بین مشارکت سیاسی و امنیت ملی از بهار ۷۶ تا تابستان ۸۴ مهمترین دستاورد این دوران از حمله اجرای اصل یکصدم قانون اساسی یعنی تشکیل شورا ها، سیاست تنش زدایی و گفت و گوی تمدن ها مورد بررسی قرار و به این نتیجه رسیدیم که با اجرای قانون انتخابات شورا ها در سطح کشور، ضمن دخالت دادن مردم در امور مربوط به خود و نیز فزاهم نمودن فضای مناسب برای تمرین دموکراسی و مردم سالاری و نیز توزیع قدرت در سطح پایین جامعه نقش ارزنده این نهاد پویا در فرایند امنیتی کشور جدی و موثر بوده و به طور کلی مولفه های امنیتی این دوره بر پذیرش تنوع و تکثر دیدگاه گروه های اجتماعی - سیاسی کشور و نیز سیاست تنش زدایی در عرصه بین المللی به ویژه کشور های همسایه و منطقه ای استوار و نتایج مطلوب و کسب اعتبار بین المللی برای نظام به همراه داشت. صداقت آقای خاتمی نسبت به تعهدات خود که شعار های انتخاباتی وی نظیر قانون گرایی، احترام به کرامت انسانی، آزادی بیان و قلم، مردم را صاحب حق دانستن، تحمل مخالفان، پذیرش دیدگاه ها و اندیشه های متفاوت سیاسی - اجتماعی، نگرش ویژه به برتری قانون به

تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی و مردم را تنها منشأ قدرت و حاکمیت دانستن و فراهم نمودن باور و اعتماد مردم به عنوان یک پشتوانه بسیار بزرگ و توانا برای ادامه روند اصلاحات که با انتخاب دوباره وی با آرای بیشتر از دوره نخست نشان از تأثیرات مثبت و فراهم شدن فضای مناسب سیاسی و التزام متقابل و دوسویه بین مردم و دولت بوده که منجر به وابستگی، علاقه مندی و پاسداری مردم از نظام سیاسی مورد درخواست و برگزیده از آرای آنان دارد. مجموعه این تحولات فرهنگی و سیاسی و اقتصادی منجر به تحکیم رابطه مردم و حاکمیت و در نتیجه پشتیبانی از سیاست های نظام و دولت و در نتیجه افزایش امنیت ملی شده است.

منابع

- اعتبار جهانی ثمره تلاش های دولت خاتمی، چکیده مقالات، دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی شماره ۱۵ تابستان ۱۳۷۸.
- امنیت، ضامن بقای جامعه، دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی ۱۳۷۷.
- باقی، عمادالدین، مقاله تحت عنوان ضریب امنیت، مجله امنیت، وزارت کشور سال اول شماره سوم دی ماه ۱۳۷۶.
- جلالی پور، حمید رضا، نگاهی جامعه شناختی به جنبش مدنی ایران، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۸.
- چکیده مقالات، دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی شماره ۲۰، اسفند ۱۳۷۹.
- حزاعی، محمد، (نماینده وقت ایران در بانک جهانی)، روزنامه اطلاعات، یک شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۰.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۲۲۲۰۸، پنج شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۸۰، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.
- عمید زنجانی، عباسعلی، مشارکت سیاسی به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران، نشر سفیر، ۱۳۷۷.
- قانع بصری، محسن، نقش نیرو های مولد در امنیت اجتماعی، مجله امنیت وزارت کشور سال چهارم شماره های ۱۹ و ۲۰ بهمن و اسفند .
- گفت و گوی تمدن ها و تنش زدایی در روابط بین الملل، شاخص های سیاست خارجی دولت، روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۵ شهریور ۱۳۸۰.
- ادبورن، بعد فرهنگی ارتباطات برای توسعه، ترجمه مهر سیما فلسفی، تهران چاپ سروش سال ۱۳۷۸
- تاجیک، محمد رضا، گفتمان امنیتی در جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، زمستان .
- ثمره تلاش های دولت خاتمی، چکیده مقالات، دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸.
- طبعی، منصور، سیمای امنیت در نهج البلاغه، ناشر سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۹.
- قوام، عبدالعلی، توسعه سیاسی و تحول اداری، تهران نشر قومس ۱۳۷۱.

-موحد مهر، علی اصغر، دکترین تمدن ها در تئوری و عمل، پایان نامه کارشناسی ارشد (روابط بین الملل) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۷۹-۱۳۷۸.

یونسی، علی، (وزیر اطلاعات وقت)، همایش ملی بهره وری ایران، تهران، روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۸۰.